



بهاران خجسته باد!

نوروز جشن ملی اقوام و ملل ساکن ایران است. نوروز جشن رستاخیز طبیعت، جشن شور و حرکت، آغازی دوباره برای جنبش و تکاپو، کار و تلاش و بهروزی و نیک روزی است. نوروز شعله تابناک و جاویدانی که از سپیده دم تاریخ کهن ایران بر آمده و ریشه های تاریخی آن به ۵ - ۶ هزار سال پیش می رسد، هیچ توفانی یاری بر اندازیش نبوده و نخواهد بود. نوروز گرمی باد.

هموطنان!

امسال در حالی به پیشواز نوروز میرویم که خطر جنگ، جان و مال، امنیت مردم میهن مان را هدف قرار داده است. حقوق بشر نقض و آزادی اندیشه و بیان سرکوب میشود. تشکلهای کارگری، دانشجویی، زنان و... مورد تهاجم قرار می گیرند و بازداشت شدگان روانه زندان ها و شکنجه گاه ها می شوند.

هیچ چشم اندازی برای اصلاح و تغییر وحتمی تعدیل وضع فلاکت بار اقتصادی - اجتماعی، تورم و گرانی لجام گسیخته، فقر و تنگدستی، بیکاری و استعمار، فحشا و اعتیاد و هزاران مصائب اجتماعی دیگر، که حاصل سیاستهای ضد انسانی حاکمیت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است، وجود ندارد.

کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان!

در آستانه نوروز همچنان امیدواریم، با اندیشه و خرد جمعی و اراده مردمی، همبستگی خود را برای دفاع از صلح، آزادی و عدالت اجتماعی و برای امنیت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بارور سازید.

به امید سالی پر بار و عاری از استبداد



سرمقاله:

ضرورت انتشار نشریه کار داخل کشور

اینک که چپ در پهنه گیتی از زیر آوار نئولیبرالیسم سر برآورده و با رویکردی انسانی و دمکراتیک به سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی می نگرند، و چپ کشورمان به تاسی از دیگر چپ های جهان هر چند با تأخیر و تأنی به این فراگرد تاریخی پیوسته است. و پس سال های طولانی توانسته خود را به آرامی از پروژۀ ترس ناشی از سرکوب های جمهوری اسلامی رها سازد. اینک که چپ کشورمان مجدداً بپا خاسته و با کوله باری از تجربه مبارزات خود را تشدید نموده، و رنگ و بوی خود را در مبارزات طبقاتی کارگران و زحمتکشان بر جای گذاشته و در عرصه مبارزات اجتماعی حضور فعالی دارد. می توان در مبارزات زنان، در پیکار دانشجویان و در تمامی حرکت های توده های کار و زحمت رد پای چپ را مشاهده نمود.

در این میان فقدان ارگانی مطبوعاتی برای سازماندهی مبارزات رو به تعمیق و انبساطی برای پیوند مبارزان چپ که در پی ایجاد جامعه ای دمکراتیک برای برقراری نظام سوسیالیستی می باشند، شدیداً احساس می شود. اکثر احزاب و سازمان های چپ که در خارج از کشور موجودیت تشکیلاتی دارند، یا فاقد نشریه بعنوان ارگان تشکیلاتی می باشند و یا نشریات شان در داخل کشور توزیع مطلوبی ندارد. متأسفانه سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، سازمانی که ما خود را بخشی از آن بشمار می آوریم، سازمانی که در گذشته ای نه جندان دور توانمندترین تشکیلات چپ کشورمان بود، هم از این مشکل رنج می برد. البته این کاستی را در دیگر عرصه های تشکیلاتی از جمله در نداشتن اساسنامه و برنامه سازمانی نیز مشاهده نمود.

انتشار نشریه " کار داخل کشور " در بیست و نهمین سالروز انتشار آن تلاشی است در راستای پاسخ گویی به این ضرورت، که البته ما نه ادعا و نه توان پاسخ گویی کامل به چنین ضرورتی را داریم. ولی این موضوع مانع آن نیست که در این راستا تلاش نماییم. وجود سایت ها و نشریات اینترنتی هرچند توانسته است به ادامه در صفحه ۲

در این شماره:

- سرمقاله: ضرورت انتشار

- سرمقاله اولین شماره نشریه کار

- به بهانه ۸ مارس، روز جهانی زن

- نگاهی متفاوت به انتخابات مجلس هفتم

- سخنی چند با یاران و همزمان

فرزنداندان

- جوانان دهه ۴۰؛ جوانان دهه ۸۰

- سیاهکل، تولدی دیگر

- اعلامیه درباره واقعه سیاهکل

- گزیده ای از پیام سازمانهای فدایی به

مناسبت ۱۹ بهمن

- شهدای سیاهکل

ارتباط با ما:

Kar_dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

به بهانه ۸ مارس روز جهانی زن

ستم کنشی زنان ناشی از ظهور مالکیت خصوصی است. (انگلس)

جامعه مادر سالاری که بر اساس اصول مشترک بنا شده بود، چیزی به عنوان سلطه یک جنس بر جنس دیگر و یک طبقه بر طبقه دیگر وجود نداشت. ابزار تولید به طور اشتراکی در مالکیت همه بود و نیازهای هر عضو بر اساس برابری در اختیار او قرار می گرفت. با آغاز کشاورزی و دامپروری از هم پاشید نخستین طایفه ها به صورت خانوارها ی دهقانی در آمد نهاد پدر خانواده جانشین طایفه شد که پایه اصلی جامعه بود به عنوان نیروی اجتماعی جدید وارد میدان شد روابط گروهی سست و مالکیت خصوصی و شخصی، خانواده و دولت شکل گرفت قوانین مربوط به مالکیت خصوصی تدوین شد و اصل قدرت پدر سالاری قانون گشت و قانون انتقال دارایی به فرزند پسر تدوین گردید زنان به صورت اموال شخصی و برده درآمدند که ...

ادامه در صفحه ۳

نگاهی متفاوت به انتخابات مجلس هفتم

هم میهنان استقلال طلب، آزادی خواه و عدالت جو!

نیروهای حاکم بر قدرت و ثروت در میهن مان یعنی سرمایه داران تجاری و دلالی، مستغلات مسکن و زمین، مالی و بانکی، حکومتی را ایجاد کرده اند. که مدافع تسلط کامل آنان بر منابع نفت و گاز، منابع زیرزمینی و ثروت های ملی، مراکز تولیدی، مرغوبترین زمین ها و زمین های مکانیزه کشاورزی و تجارت خارجی است. حکومتی که برای اجرای سیاست های تعیین شده از طرف سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی چهار نعل در راستای خصوصی سازی دارایی های ملی می تازد. حاکمیت با در اختیار گرفتن شبکه های مالی و بانکی و حمل و نقل-هوایی، زمینی و دریایی- و استیلا کامل امنیتی بر شبکه های اینترنتی و رسانه ها و بکار گیری سازمانهای متنوع فرهنگی - مذهبی توجیه گر وضع موجود می باشد. در این امر نامیمون استفاده ابزاری از مراکز دانشگاهی، حوزه های علمیه، و به پشتوانه نیروهای نظامی، پلیس و نیروهای امنیتی تهران و آشکار و با یاری جستن از قانون اساسی و دیگر قوانین ارتجاعی که در غیاب تشکلهای صنفی و سیاسی و مردمی ...

ادامه در صفحه ۴

یاران ناشناخته ام

چون اختران سوخته

چندان به خاک تیره فرو ریختند سرد

که گفتمی

دیگر

زمین

همیشه

شبی بی ستاره ماند.

احمد شاملو

سی هفتمین سالگرد حماسه قهرمانانه سیاهکل بر

همه رفقای جنبش فدائی مبارک باد

ضرورت انتشار نشریه

" سرمقاله اولین شماره نشریه کار به تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ "

اینک که خلق ما متحد و یکپارچه پس از نبردی خونین رژیم سلطنتی را واژگون کرده و در جهت ناپودی کامل ارتجاع و سلطه امپریالیسم پیش می رود ...

اینک که وظیفه همه نیروهای انقلابی است که دست آوردهای انقلاب را حفظ کنند و بکوشند تا آخرین بقایای ضد انقلاب را براندازند.

ما وظیفه خود می دانیم که با انتشار یک نشریه ویژه کارگری قدیمی دیگر در جهت ارتقاء جنبش کارگری برداریم. کارگران مبارز ما که همیشه در مبارزه بر علیه امپریالیسم و دیکتاتوری نقش مهمی داشته اند، هنوز وظیفه سنگینی بر دوش دارند و باید مبارزه را تا رسیدن به نتیجه نهایی دنبال کنند.

کارگران مبارز میهن ما بویژه کارگران صنعت نفت با شرکت در اعتصابات اقتصادی و سیاسی، با راهپیمائی ها و متینگ هاف نقش مهمی در سرنگونی رژیم منفور و سرسپرده پهلوی ایفاء نموده و سرانجام همراه با افشار و طبقات دیگر خلق در قیام مسلحانه شرکت کردند، و جان باختند تا با خون خو نهال انقلاب را آبیاری کنند.

ایا کسی می تواند ادعا کند که سرنگونی رژیم شاه بدون شرکت کارگران در جنبش اخیر ممکن بود؟ مسلماً خیر. زیرا هرکسی که این حقیقت را منکر شود یا چشمان خود را بر روی واقعیت بسته است و یا اینکه آدمی غرض ورز است. پهر حال با وجود اینکه طبقه کارگر عملاً در مبارزه نقش مهمی ایفاء کرد، اما نتوانست آن نقش واقعی را که شایسته طبقه کارگر بود انجام دهد. علت آن را هم باید در نقاط ضعف جنبش کارگری ایران جستجو کرد. جنبش کارگری ما هنوز نقاط ضعف بسیاری دارد که از آن جمله می توان به مسئله عدم تشکل و سطح نسبتاً پایین آگاهی کارگران اشاره کرد.

طبقه کارگر که انقلابی ترین و مترقی ترین طبقه است، تنها نیرویی است که می تواند در جهت منافع خلق، مبارزه را بدون عقب گرد، بدون سازش و با قاطعیت هرچه تمام تر پیش ببرد و خلق را تا پیروز نهائی رهبری کند.

اینک ببینیم که هدف از انتشار این نشریه چیست و چه نقشی می تواند در جهت تشکل، آگاهی و مبارزات، جنبش کارگری ایران داشته باشد؟

رفقای کارگر! هر چند که تا بحال خلق ما در مبارزات خود به پیروزی هائی دست یافته و رژیم سلطنتی را سرنگون کرده است، اما هنوز خیلی چیزها دست نخورده باقی مانده است. ارتش ضد خلقی هنوز از بین نرفته و سرمایه داران خارجی همچنان کنترل اقتصادی کشور را در دست دارند. کارفرما، همان کارفرمای قبلی است یعنی همان سرمایه دارانی که شریک سرمایه داران خارجی هستند. استثمار هنوز هم ادامه دارد. شوراها کارگری و ارتش خلقی هنوز بوجود نیامده است. سندیکاهای فرمایشی و قوانین ضد کارگری تیسری نکرده و سیستم پلیسی هم چنان بر کارخانه ها حکم فرماست. وصدها نمونه دیگر. اما برای اینکه طبقه کارگر بتواند وظایف خود را انجام دهد و پی گیرانه خواست های دمکراتیک خود را دنبال کند، باید در باره همه مسائل کشور، درباره سیاست و هر آنچه که بر این طبقه و طبقات دیگر می گذرد و خلاصه در باره همه مسائل آگاهی داشته باشد.

اگر کارگران نتوانند مسائل کشورمان را بشناسند، اگر نتوانند خودسری و اعمال زور در همه جا، در کارخانه، در وزارت کار، در مجلس، و غیره از جانب هر کس که باشد بشناسند و بر علیه آن اقدام کنند، مسلماً نمی توانند نقش واقعی خود را ایفاء نمایند.

کارگران باید از وقایع روز، از حوادثی که در اطرافشان می گذرد، از مسائل کارخانه، از خواست سایر خلق، از سیاست دولت و مسائل جهانی آگاه باشند. باید دانست فلان قانونی که تصویب می رسد به نفع چه کسی است؟ آیا به نفع زحمتکشان است یا به نفع سرمایه داران و مفت خورها؟ آیا دولت از کدام طبقه پشتیبانی و حمایت می کند و منافع کدام طبقه را در نظر دارد؟ طبقه کارگر باید بداند تا زمانی که مبارزه در چهاچوب چانه زدن برای افزایش مزد، حق مسکن، بیمه و غیره با سرمایه دار است وضع آنها تغییر اساسی نخواهد کرد. باید ریشه های مسئله را بررسی کرد که چرا اصولاً وضعی حاکم است که عده کمی، انبوه جمعیت را استثمار کنند، مفت بخورند و بخوانند و دیگران برای آنها کار کنند. و چگونه می توان بطور کامل سرمایه داری وابسته را در ایران از بین برد. یعنی در جایی که سرمایه داران بطور عمده وابسته به سرمایه داران جهانی هستند، با آنها زد و بند دارند و مشتری کآ خون کارگران را می کنند، نه تنها کارگران بلکه همه خلق ما تحت ستم آنهاست و باید همه خلق و در رأس آن طبقه کارگر در وهله اول یک مبارزه ضد امپریالیستی را در جهت برانداختن سرمایه داری وابسته دنبال کنند. خلاصه باید کار افشاکاری های سیاسی را دنبال کرد.

این نشریه سعی دارد مسائل روز را با کارگران و همه زحمتکشان در میان بگذارد، زورگویی سرمایه دار استثمار گر و مأمور حفاظت کارخانه را افشاء کند. بعلاوه سعی ما بر این است که این نشریه بتواند رابطه ای بین کارگران سراسر کشور برقرار سازد، تا مثلاً کارگران پالایشگاه نفت آبادان بدانند که در کارخانه ایران ناسیونال یا جنرال موتورز تهران چه می گذرد و از تجربیات یکدیگر استفاده کنند طبیعتاً این نشریه در صورتی می تواند وظیفه خود را بدرستی انجام دهد در خدمت طبقه کارگر و همه زحمتکشان قرار گیرد که خود کارگران در مسائل و موضوعات مورد بحث آن فعالانه شرکت و همکاری داشته باشند. بنابر این، از همه رفقای کارگری می خواهیم تا با تهیه مقالات، پیشنهادها و انتقادات، ما را در این جهت یاری کنند. اگر این همکاری در سطح وسیعی انجام گیرد آنوقت این نشریه می تواند وظیفه مهم خود را بدرستی انجام دهد.

ما فعلاً این نشریه را هر هفته یکبار منتشر می کنیم و امید داریم بتوانیم در آینده ای بسیار نزدیک آنرا بصورت یک روزنامه همه روزه در اختیار کارگران قرار دهیم.

مستحکم باد پیوند کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان



صفحه یک اولین شماره نشریه کار در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۵۷

ادامه سرمقاله صفحه ۱

بخشی از این نیازها پاسخ دهد، ولی بعلت کافی نبودن پوشش شبکه اینترنتی در کشورمان، نداشتن توان مالی برای اکثریت جامعه برای تهیه امکانات سخت افزاری و نرم افزاری لازم برای اتصال به شبکه و فیلتراسیون گسترده سایت های اپوزیسیون بخصوص چپ، امکان برقراری ارتباطی گسترده و مداوم با مخاطبان وجود ندارد. تجربه چندین سال گذشته مؤید این امر می باشد. ما با استناد به چنین موانعی معتقدیم که نشریات مکتوب کارآیی بهتر و مفیدتری خواهد داشت. از این رو تلاش ما در راستای تلفیق شیوه های سنتی با امکانات اینترنتی برای افزایش بازدهی کارمان بوده است. ما نشریه را بصورت مکتوب منتشر و از طریق سایت های اینترنتی در اختیار مخاطبان خود در سراسر کشور قرار خواهیم داد. تا رفقای ما و فعالین چپ داخل کشور با دریافت از طریق اینترنت در محل کار و زندگی، آن را در تیراژی محدود و متناسب با امکانات شان چاپ و در اختیار هم فکرا، کارگران و زحمتکشان و عموم مردم که امکان دسترسی به اینترنت را ندارند، قرار دهند.

با وجود جمهوری اسلامی مشکلات امنیتی همچنان پابرجاست، و امکان ارتباط مستقیم و متقابل بین دست اندرکاران نشریه و مخاطبین آن وجود ندارد، از طرفی بدون آگاهی از نکته نظرات مخاطبین تلاش ما به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و ما را در تحقق اهداف خود که حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان و انعکاس صدای آنهاست تا نام خواهد ساخت، ناگزیر گزینه ای مابین ایده آل های خود و الزامات شرایط حاکم را برگزیدیم. دو آدرس اینترنتی زیر

Kar_dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

برای ایجاد چنین امکانی در اختیار خوانندگان نشریه قرار داده است تا بتوانیم امکان برقراری ارتباطی را هرچند ناکافی فراهم سازیم. برای گریز از محدودیت های فیلتراسیون در آینده سعی خواهیم نمود اشتراک اینترنتی برای ارسال نشریه از طریق پست اینترنتی به خوانندگان را هم سازماندهی نماییم.

رفقا!

ما خود را بخشی از جنبش کمونیستی و متعلق به جنبش فدائیان خلق کشورمان می دانیم که نشان "اکتریتی" دارد. در این نشریه سعی خواهیم کرد صدای همه فدائیان و کمونیست های داخل کشور را انعکاس دهیم، و در صفوف کارگران و زحمتکشان، در میان زنان و دانشجویان برای صلح، دمکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم مبارزه کنیم. ما اقدام خود را مکمل دیگر صداهای چپ کشورمان می دانیم، ضمن حمایت از جنبش چپ و مبارزه در این اردو کاستی ها و انحرافات تمامی جریانها چپ را نقد خواهیم نمود، ضمن آنکه تلاش خواهیم کرد از ارائه تصویری از خود بعنوان آنترانیتیوی برای دوستان دیگر دوری گزینیم. ما براین باوریم که پربار بودن نشریه و تداوم انتشار آن، نیازمند یاری شما رفقا و هم زمان داخل و خارج از کشور می باشد. ما ارائه گزارش، اخبار و مقالات و نوشته ها و رهنمودهای خود ما را در این راهی که آغاز کرده ایم یاری نمائید.

نشریه فعلاً بصورت گاهنامه و حداقل دو ماه یکبار منتشر خواهد شد ولی سعی بر این است که آنرا بطور منظم و بصورت ماهنامه منتشر نماییم.

به بهانه ۸ مارس روز جهانی زن

ستم کشی زنان ناشی از ظهور مالکیت خصوصی است. (انگلس)

جهانی سازی سرمایه داری پدیده ای است که با دیکته کردن سیاستهای سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، از قبیل آزادسازی و خصوصی سازی عوارضی فراگیر و منفی در پی دارد. سرمایه داری سودمدار با اعمال تفاوت و تبعیض جنسی، نژادی و ملی در تقسیم درآمد و موقعیت اجتماعی از ایجاد یک نیروی همگن و نیرومند بر علیه سرمایه استفاده کرده است. اکنون مناسب ترین زمان بر زنان است تا به مبارزه با جهانی سازی بپردازند. چرا که با گسترش جهانی سازی آسیب پذیری زنان در دنیای کار افزایش می یابد. جهانی سازی منجر به بیکاری، فقر، عدم امنیت و آینده ای اندوه بار برای بشریت است. زنان بعنوان نیمی از جامعه بشری مقدم ترین قربانیان آن بشمار می روند. مبارزه با جهانی سازی تنها راه حفظ منافع توده های زحمتکش است. مبارزه علیه جهانی سازی سرمایه داری، مبارزه ای برای پایان بخشیدن به تبعیض در جهان کار، تهدیدهای جدی علیه زنان کارگر، شرایط کاری ناسالم و عاری از اتحاد و تشکل. و بر علیه رشد خشونت‌های جنسی در محل کار، عدم تحقق حداقل تامین اجتماعی، طرح بازنستسگی های اختیاری و اجباری، عدم تأمین شغلی و افسردگی و بیماری است.

آنچه سرمایه داری می خواهد:

- ۱: خارج نگه داشتن زنان از عرصه های کلیدی تولید
- ۲: وابستگی اقتصادی زن به نان آوران مرد
- ۳: باز تولید کننده گان نیروی کار
- ۴: ابزار داری در خدمت بنگاههای اعتباری و واسطه ها
- ۵: تأمین گران اهداف و خواست های بنگاههای تبلیغاتی و جامعه مصرفی
- ۶: ارتش و نیروی ذخیره کار

در جهان:

تنها ۱۰٪ از درایبهای جهان در تملک زنان است.
۷۰٪ تنگدستان را زنان تشکیل میدهند. (رابطه فقر و جنسیت)
دو سوم بیسوادها را زنان تشکیل میدهند. (آموزش و جنسیت)
۶۶٪ کودکانی که به مدرسه نمی روند دختر هستند.
اغلب ۸۴ میلیون انسانی که از سوء تغذیه رنج می برند را دخترکان زیر ۵ سال تشکیل میدهند. (سوء تغذیه)
۸۰٪ زنان حامله در آسیا دچار کم خونی هستند. (فقر و بهداشت)
نرخ مرگ و میر در میان دختران زیر ۵ سال بیشتر از پسران هم سال است. (سوء تغذیه)
دستمزد زنان در برابر کار مساوی و مشابه با مردان ۵۰ - ۸۰٪ دستمزد مردان است. (رابطه کار و بهره کشی)
اکثریت عظیم پناهندگان جنگی را زنان و کودکان تشکیل میدهند. (جنگ و جنسیت)

در کشورمان:

وضعیت ۱/۵ میلیون زن سرپرست خانوار که سرپرستی عمیلون نفر را بر عهده دارند بحرانی است. متوسط سن فحشا به ۱۲ سال رسیده است.
فرار دختران از خانه هر سال ۱۵٪ افزایش می یابد.
خرید و فروش و قاچاق زنان و دختران سالانه بیش از ۸ میلیارد دلار عایدی برای باندهای مافیایی دارد.
زنان و دختران در بسیاری از موارد قربانی تبعیض درون خانوادگی می شوند.
زنان بیشتر از مردان کار می کنند و دارای درآمد کمتری از مردان هستند.
زنان کمتر از مردان بر روی درآمدشان کنترل دارند
فقر و تنگدستی = افزایش روسپیگری
زنان در برابر فقر و تنگدستی شکننده تر از مردان هستند.

ما خواهان:

تعبیرات جدی و بنیادین در فرهنگ مرد سالار و اصلاح قوانین و ایجاد نهادهای مدنی الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان
از بین بردن تمام قوانینی که میان زنان و مردان تبعیض ایجاد میکند (کار، بیمه، ارث، چند همسری، ازدواج، طلاق و ...)
برخورداری از حقوق و امتیازهای برابر در آموزش و اشتغال
لغو قراردادهای موقت کار، تغییر مواد ۲۷ و ۱۹۱ قانون کار
اعلام تعطیل رسمی روز ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز جهانی زن
الزام تمامی سازمانها، دولتها و اشخاص حقوقی و حقیقی برای از بین بردن تبعیض علیه زنان

۸ مارس ۱۹۰۶ زنان کارگر کارخانجات نساجی و زنان جنگ زده شهرهای نیویورک و شیکاگو به برگزاری تظاهراتی آرام دست زدند، و خواهان کاهش زمان کار (تنهیت ۸ ساعت کار در شبانه روز)، پایان دادن به بهره کشی از کار کودکان، حق رای برای زنان و ایجاد اتحادیه کارگران نساجی شدند. با برخورد شدید و خشونت آمیز پلیس تعدادی از زنان تظاهر کننده کشته، زخمی و دستگیر و عده ای هم از کار اخراج شدند. یک سال بعد در سالروز ۸ مارس ۱۹۰۶ تظاهراتی مشابه در نیویورک با خواست حق رای و کاهش زمان کار برگزار شد، که مجدداً با حمله و یورش پلیس سرکوب گردید. در سال ۱۹۱۰ با پیشنهاد کلارا زتکین آزادخواه و برابری طلب (دبیر سازمان بین المللی زنان سوسیالیست) در کنفرانس بین المللی زنان هر سال روز ۸ مارس روز جهانی زنان نامیده شد. پس از آن همه ساله در ۸ مارس بیاد قربانیان و جانبختگان آن روز و در بزرگداشت روز زن حرکاتی صورت می گیرد، بطوریکه در سال ۱۹۷۷ و در پی مبارزات وقفه ناپذیر زنان سازمان ملل متحد نیز ۸ مارس را روز جهانی زن نامگذاری نمود. در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۰۰ و با شرکت ۵۰ تن از زنان در بندر انزلی مراسم و جشن بزرگداشت ۸ مارس برگزار گردید و پس از آن همه ساله به صورت‌های علنی و غیر علنی و رسمی و محفلی این روز جشن گرفته میشود.

جامعه مادر سالاری که بر اساس اصول مشترک بنا شده بود، چیزی به عنوان سلطه یک جنس بر جنس دیگر و یک طبقه بر طبقه دیگر وجود نداشت. ابزار تولید به طور اشتراکی در مالکیت همه بود و نیازهای هر عضو بر اساس برابری در اختیار او قرار می گرفت، که با آغاز کشاورزی و دامپروری از هم پاشید و نخستین طبایفه ها به صورت خانوارهای دهقانی در آمد، و نهاد پدر خانواده جانشین طبایفه شد که پایه اصلی جامعه بود به عنوان نیروی اجتماعی جدید وارد میدان شد روابط گروهی سست، و مالکیت خصوصی و شخصی، خانواده و دولت شکل گرفت قوانین مربوط به مالکیت خصوصی تدوین شد و اصل قدرت پدر سالاری قانونی گشت و قانون انتقال دارایی به فرزند پسر تدوین گردید زنان به صورت اموال شخصی و برده درآمدند که وظیفه مهمشان خدمت به شوهر (صاحب، آقا، ارباب) بود. حق زندگی و مرگ زن به دست همسرانشان افتاد.

بورژوازی با انفکاک زن از خانه و ورود به عرصه تولید اجتماعی، زنان را برای نخستین بار به عنوان نیروی جدا از خانواده مطرح کرد. در این شرایط تاریخی فریادها برای آزادی زنان برای تغییر و اصلاح برخاست، این مبارزه اجتماعی جاری پیرامون آزادی و دفاع از حقوق برابر، رفع تبعیض جنسی و طبقاتی زنان طی دو سده گذشته با ماهیتی دموکراتیک برای نیمی از مردم جهان بوده است. در عین حال برتری مرد و اطاعت زن ویژگی ثابت جامعه بورژوازی است و روز جهانی زن روز برجسته کردن مبارزه علیه تبعیض طبقاتی و جنسی است.

در دوران ماجنیش زنان علاوه بر هم سویی با مبارزه طبقاتی و ضد استعماری و آزادخواهانه همواره خواستار طرد فرهنگ مرد سالار و تغییر در زیر ساختهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی بوده است. در ایران با انقلاب سفید شاهنشاهی و چیره شدن مناسبات سرمایه داری و قانونی شدن حق رای، حق قضاوت برای زنان و تدوین قانون حمایت از خانواده چرخشی عظیم در جایگاه حقوقی و اجتماعی زنان به وجود آمد ولی در اثر تحولات اجتماعی و سیاسی طی سه دهه اخیر جایگاه زن باز با تغییرات مهمی روبرو شد که بازتاب آن زن را به موجودی فرعی، درجه دوم، تابع و متعلق به مرد تبدیل کرد، که اوج دیدگاههای مرد سالارانه به زن است. در این میان نقش خود کامگی و استبداد که اساساً ناقض حقوق شهروندی است، و از طرفی نقش مذهب و تعصبات ریشه دار ایدئولوژیکی به فرهنگ مسلط برآمده از دین بر جامعه ما تبدیل گردیده است. بایستی علیه کشورها و سازمانها و دولتهایی که تبعیض جنسی را دوام می بخشند مبارزه کنیم.

کاربست تفکر علمی و عقلانی برای ریشه یابی علل اصلی ستمدیدی زنان و یافتن راهکارها و ابزار جزو ضروریات مبارزه است. مبارزه فردی و غیر سیاسی و تنگ نظرانه با تفکرات ضد مرد- کینه کور و مرد ستیزی- شیوه های مردود و تنفر بر انگیزی هستند. زنان قادر به رهایی نیستند، مگر پایه های اجتماعی و اقتصادی برتری سرمایه و مرد سالاری ویران شود. استثمار دو جنس بزرگترین انگیزه مشترک برای رهایی از ساختار طبقاتی است. مبارزه و تلاش هدفمند برای اتحاد و هم سویی با مبارزات کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، عدالتخواهان و صلح جویان برای غلبه بر جریان سود و سرمایه کلید اصلی پیروزی خواهد بود. باید مردان با همکاری و هم دلی اجتماعی در مبارزه زنان با آنان هم صدا گشته و اجازه ندهند جنبش زنان برای رهایی از ستم طبقاتی و جنسی بر علیه مردان هدایت و رهبری گردد. نبایستی فراموش شود که در جامعه پدر سالار هر دو جنس آسیب می بینند، و مسئله اصلی نظام بهره کشی و مالکیت خصوصی است نه مردان.

کمونیست ها با برنامه ها و ایده هایشان همواره و همیشه خود را در صف اول این جنبش ها دیده اند. جنبشهایی که مترقی ترین گرایشات زمان ما هستند. هیچ مسئله حائز اهمیتی برای زنان نیست که در عین حال یک مسئله فراگیر اجتماعی نباشد.

گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

نگاهی متفاوت به انتخابات مجلس هفتم

هم میهنان استقلال طلب، آزادی خواه و عدالت جو!

نیروهای حاکم بر قدرت و ثروت در میهن مان یعنی سرمایه داران تجاری و دلالی، مستغلات مسکن و زمین، مالی و بانکی، حکومتی را ایجاد کرده اند. که مدافع تسلط کامل آنان بر منابع نفت و گاز، منابع زیرزمینی و ثروت های ملی، مراکز تولیدی، مرغوبترین زمین ها و زمین های مکانیزه کشاورزی و تجارت خارجی است. حکومتی که برای اجرای سیاست های تئین شده از طرف سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی چهار نعل در راستای خصوصی سازی دارا یی های ملی می تازد. حاکمیت با در اختیار گرفتن شبکه های مالی و بانکی و حمل و نقل-هوایی، زمینی و دریایی- و استیلای کامل امنیتی بر شبکه های اینترنتی و رسانه ها و بکار گیری سازمانهای متنوع فرهنگی - مذهبی توجیه گر وضع موجود می باشد. در این امر نامیمون استفاده ایزاری از مراکز دانشگاهی، حوزه های علمیه، و به پشتوانه نیروهای نظامی، پلیس و نیروهای امنیتی نهان و آشکار و با یاری جستن از قانون اساسی و دیگر قوانین ارتجاعی که در غیاب تشکلهای صنفی و سیاسی و مردمی بدون حضور و دخالت نمایندگان واقعی مردم زحمتکش کشورمان نوشته شده اند. وضعیت اسفناکی را بر مردم میهنمان تحمیل نموده اند، بطوریکه:

۱- خطر جنگ و حمله نظامی از طرف ایالات متحد آمریکا و متحدان آن استقلال سرزمین مان را تهدید می کند. صدور قطعنامه هایی از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اعمال تحریم علیه کشورمان. نتیجه ای جز تورم، گرانی، تهدید امنیت جامعه و نگرانی از آینده برای کارگران، مزدبگیران، زنان، دهقانان، دانشجویان در پی نخواهد داشت.

۲- آزادی اندیشه، بیان و قلم هر روز تحدید می شود. ارکان دموکراسی به سخره گرفته می شود. آزادیهای سیاسی، فردی و اجتماعی لگدمال می گردد و از انتشار افکار، روزنامه ها و مجلات ترقی خواه مدافع استقلال، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی جلو گیری بعمل می آید.

۳- جنبش های اجتماعی شامل کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و مدافعین حقوق ملیت ها، بخاطر دفاع از حقوق اولیه و ابتدائی خود سرکوب و زندانی و از ایجاد تشکل های مستقل صنفی از جمله سندیکا و اتحادیه منع میگردند.

۴- روشنفکران مترقی و فعالین ملی و مبارزین کمونیست تحت تعقیب و محاکمه قرار می گیرند.

۵- تشکیل احزاب و سازمان های سیاسی ممنوع می باشد.

۶- فقر و نداری، آینده ای تاریک و مبهم، گسترش روزافزون ناهنجاری های اجتماعی، تشدید شکاف طبقاتی و غلبه جو عدم اعتماد در روابط انسان ها، اعتیاد، تن فروشی و افسردگی بیداد می کند.

در چنین شرایطی است که حاکمان جمهوری اسلامی و کارگزاران آن جهت تداوم وضع موجود و اثبات فلسفه وجودی خود و کسب مشروعیت خویش برای ادامه سیاست های جاری. می خواهند چنین وانمود کنند که حاکمیت آنها بر آراء مردم استوار است. و با رای مردم . کشور را اداره می کنند. مجلس شورای اسلامی مستمسکی بیش برای تأیید خواست ها و امیال مافیای قدرت و دادن وجهه قانونی به تصمیمات پشت پرده نمی باشد. در این نمایش انتخاباتی تنها به مجلسی مانند مجلس هفتم و نمایندگانی آن چنانی نیاز پیدا می کنند. اگر هزینه های سرسام آور این مضحکه های انتخاباتی را که همه ساله به بهانه ای تکرار می گردند را مد نظر قرار دهیم، به نفع مردم ایران خواهد بود، اگر همین مجلس تا آخر عمر جمهوری اسلامی به همین شکل باقی بماند و انتخابات دیگری به این شیوه برگزار نشود. در وصف این مجلس فرمایشی همین بس که بودجه ۲۹۳ میلیاردی سال ۱۳۸۷ را در عرض پنج روز کاری با عجله هر چه تمام بررسی و تصویب نمود. تا زنگ تعطیلی آن را تا نیمه دوم فروردین سال آینده به صدا در آورد. مجلس هفتم در جلسه یک اسفند ۸۶ به سرعت ایرادات شورای نگهبان به لایحه بودجه را مطابق خواست آن شورا اعمال کردند و زمانی که رئیس جلسه اعلام کرد اگر شورای نگهبان باز هم به لایحه بودجه ایراد بگیرد آماده ایم تا ساعت ۱۷ تشکیل جلسه بدهیم، تلفن هیات رئیسه مجلس به صدا در آمد و شورای نگهبان اطلاع داد که نیازی به جلسه مجدد نیست زیرا مصوبه بودجه به تأیید شورای نگهبان رسیده و می توانید مجلس را همان گونه که خود خواسته اید تا سال آینده تعطیل کنید.

کانون اصلی قدرت در ایران با ساختار سیاسی ای که شکل داده، اختیارات و وظایفی را به برخی نهادهای حکومتی از جمله شورای نگهبان واگذار نموده که عملاً فلسفه وجودی نهادهای انتخابی چون مجلس زیر سؤال رفته است. مطابق اصل نودویکم قانون اساسی "به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورائی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسایل روز که انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲- شش نفر حقوق دان در رشته های مختلف حقوقی از میان حقوق دانان مسلمانی که بوسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس معرفی می شوند و با رای مجلس انتخاب می شوند.

بر اساس ماده نود و سه قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبار نامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان. همچنین طبق اصل نود و چهار قانون اساسی، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان فرستاده می شود و شورای نگهبان موظف است، حد اکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول آنرا از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مغایر شرع و قانون اساسی تشخیص دهد برای تجدید نظر به مجلس باز می گرداند.

محدودیت های انتخاباتی و ناشی از قدرت شورای نگهبان تنها خاکنیز کنترلی جمهوری اسلامی نیست. تفویض اختیارات گسترده به هیئت های اجرائی و هیئت های نظارت که با استناد به ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس: "نامزدهای ثبت نام کننده باید اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متریقی ولایت مطلقه فقیه و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن را داشته باشند." براحتی از ثبت نام نمایندگان ۱۸ میلیون کارگر و نمایندگان میلیون ها دهقان. معلم، دانشجوی فاقد مدرک فوق لیسانس بشکل قانونی امتناع ورزد. به استناد همان قانون وعدم احراز صلاحیت صدها تن از اساتید دانشگاه، فعالین سیاسی و مدافعین حقوق بشر و ملیتهای ایرانی که حتی مدرک فوق لیسانس هم داشته اند رد صلاحیت گردیده اند. اینگونه است که رازینی رئیس هیئت نظارت انتخابات و قبحانه اعلام می کنند "کسانی که در ۲۰ سال گذشته نتوانسته باشند طبق بندهای ۲۸ قانون انتخابات ابراز وفاداری به انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی را ثابت کنند، نمایندگی مجلس به جای خود حتی کسی حاضر به وصلت فامیلی با او هم نمی شود." بنا بر این آنچه در دایره انتخابات می ماند تنها کارگزاران حاکمیت اند، که در هر دوره انتخاباتی - با اسم رمزهای مختلف- مانند محافظه کاران سنتی، مدرن، پیروان خط امام و رهبری، آبادگران، آبادگران جوان، جبهه متحد اصول گرائی، اصول گرایان سنتی و رایحه خوش خدمت وغیره و جدید ترین نمونه آن هم "اصولگرایان مترقی" است، که توسط فلاحیان تشکیل گشته است. بخش ناتی حکومت هم که به اصلاح طلبان حکومتی معروف شده اند، و در هر انتخاباتی تعداد زیادی از کاندیداهای آنها توسط هیئت های اجرائی و نظارت و شورای نگهبان رد صلاحیت می شوند و پس از رایزنی های معمول رفسنجانی، کربوبی و خاتمی با رهبر تعدادی هم از آنها به لیست اضافه می شوند، تا تنور انتخابات گرم شود. آنگاه کسانی مانند آقای کربوبی اعلام می کنند که از نتیجه راضی اند و نهایتاً ماشین انتخابات به راه می افتد. تجربه سالیان گذشته ثابت می کند، که اختلافات دو جناح فوق در تقسیم قدرت بطور نسبی حل شود، و انتخابات بدون امکان حضور نمایندگان دیگر نیرو های سیاسی بخصوص مدافعین زحمتکش برگزار شود، اینان کوچکترین اعتراض و مشکلی با شکل و محتوای انتخابات برگزار شده نخواهند داشت. و حتی از وجود دموکراسی و آزادی های سیاسی خیره کننده در حکومت جمهوری اسلامی داد سخن خواهند راند.

با توجه به ساختار حکومت در ایران حتی اگر انتخابات آزادی هم برگزار شود، و ۲۹۰ نماینده مترقی ودمکرات به مجلس راه یابند، و هر روز یک قانون به نفع مردم و توسعه و پیشرفت میهن مان تصویب کنند. شورای نگهبان به استناد قانون اساسی می تواند با مغایر دانستن آن با قانون اساسی و یا شرع مقدس از اجرائی شدن آن ممانعت بعمل آورد. نهایتاً لوایح و طرح های مصوب مجلس از شورای مصلحت نظام سر در خواهد آورد. انتظار از شورای مصلحت نظام برای ایجاد تغییرات بنیادی در نظام سیاسی و اقتصادی کشور انتظاری عبث و ساده لوحانه است. این شورا آن مصوبات را مخالف مصلحت نظام تشخیص داده و طبق مفاد قانون اساسی و به استناد حکم حکومتی تمامی آن تلاش ها راهی زباله دان جمهوری اسلامی خواهد شد. تجربه تاریخی بیانگر آن است که حکومتهای توتالیتر به هیچ وجه حاضر نمی شوند اداره رکنی از حاکمیت خود یعنی نهاد قانون گذاری را به پیمانکاران غیر خودی واگذار نمایند. ولی تجربه مبارزات خلق ها جهان حاکی از آن است که می شود با ایجاد تشکل های وسیع صنفی و سیاسی کارگران، دهقانان، معلمان، زنان، دانشجویان و همه زحمتکش و مزد بگیران کشور و ایجاد اتحادی گسترده از احزاب و سازمان های مدافع حقوق به تمام بی عدالتی ها در پهنای میهن عزیزمان خاتمه داد. و با استفاده از همه استعدادها و توان ایرانیان ازهر فکر و اندیشه، جنس، نژاد و ملیت و با استفاده از تجربه گرانسنگ بشریت معاصر بر تمام عقب ماندگی ها غلبه کرد . تا استقلال، دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی واقعی را تحقق بخشید، و برای همیشه حق تعیین سرنوشت انسان را به خود انسان سپرد.

تحریم آگاهانه و متحدانه انتخابات، گامی در راستای نفی استبداد و دیکتاتوری

سخنی چند با یاران و هم‌زمان فرزندانمان

نامه تنی چند از مادران و خانواده‌های جان‌باخته‌گان فدائیان خلق
به شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به نقل از سایت کارآنان

با درود و تبریکات صمیمانه به مناسبت ۳۷مین سالگرد تولد جنبش فدایی

فرزندان و عزیزان گرامی!

از پی این سال‌های سیاه و رخوت‌آلود و در فراقی ناخواسته و گران‌بار از پاره‌های تن مان و یاران و هم‌زمان شما، اینک به نظاره میراث عزیزان خود بنشسته‌ایم، که از هر سوی آماج حملات ناجوانمردانه دشمنان قرار گرفته‌است. اکنون آن میراث ارزشمند و گرانقدری که فرزندان ما در راه رسیدن به آرمان‌های والا و پیش‌عاشقانه از تقدیم جان خود دریغ نمودند، در دستان شما قرار گرفته، و شگفتا که در این میان دوستانی نیز نهان و آشکار به تقابل با جنبش پرافتخار فدائیان خلق برخاسته‌اند. ما با نگرانی تغییراتی را که در آرمان‌های بنیان‌گذاران سازمان و اهداف و خواسته‌های فرزندانمان و دیگر شهدای فدایی خلق وجود آمده‌است، را دنبال می‌کنیم.

دریغ!

سازمانی که برای تحقق جهانی عاری از ستم و استثمار بنا گشت، و در نتیجه مبارزات و کوشش‌های چندین ساله هزاران فدایی خلق شکل گرفت، تا در راه برقراری سوسیالیسم، صلح و دموکراسی برزمد. سازمانی که در پیوند با توده‌ها و با تکیه بر دستاوردهای علمی در اعماق اجتماع ریشه دوانید، سازمانی که صداقت فدایی‌اش زبانه‌زبان خاص و عام بود، اینک بر کدامین نیروی اجتماعی تکیه داده‌است؟ و به جای جستجوی یاران و متحدین خویش در بین کارگران و زحمتکش‌ان، آغوش به روی چه کسانی گشوده و دست خود بسوی که دراز کرده‌است؟ چگونه می‌توان باور داشت که مبارزه طبقاتی و پیکار در راه رهایی کارگران و زحمتکش‌ان، از برنامه سازمانی که فرزندان ما به خاطرش از بذل جان خویش هم دریغ نمودند، رخت بر بسته و یا چنان کم‌رنگ گشته که چشمان کم‌سوی ما قادر به تشخیص آن نیست.

ما معترض عملکرد رهبری سازمان در دهه ۶۰ و بعد از آن هستیم، که بخاطر پیش برد سیاست‌های فاجعه‌بار دفاع از جمهوری اسلامی و خوش‌باوری ناشی از آن و همچنین درگیری‌های حاکم بر رهبری و صرف نیرو و توان سازمان در یارگیری‌های غیر اخلاقی، از اجرای وظایف اصلی خود باز ماند. رهبری وقت سازمان در آموزش کادرها و کاربست سیاست‌های متناسب با شرایط حاکم برای پیش‌گیری از ضربات وارده و یا کاستن از شدت ضربات قصور و در روشنگری جامعه جهانی و داخلی متناسب با ابعاد فاجعه و توان سازمان کوتاهی نموده، و تا لحظه‌ای که شیخ مرگ چارپایه‌ها را از زیر پای فرزندانمان برنهد، عمق فاجعه را درک ننمود. البته قصد ما آن نیست که جنایت‌های جمهوری اسلامی را به پای شما یا دیگران بنویسیم، ولی معتقدیم شما در مورد دستگیری‌های دسته‌جمعی و غیر قانونی، زندانی و شکنجه و ممنوع‌الملاقات کردن رفقای خود و دیگر مبارزین سیاسی و نهایتاً قتل عام آنها واکنشی در خور نام و توان سازمان از خود نشان ندادید. پس از گذشت دهه از فاجعه ملی شما هم مانند سایر جریان‌های سیاسی که یاران خود را در این فاجعه از دست داده‌اند، نه اقدامی برای تنظیم دادخواست حقوقی در مجامع و دادگاه‌های بین‌المللی علیه سران جمهوری اسلامی کرده‌اید و نه حتی حرکتی در این راستا بعمل آورده.

عزیزان!

از همان روزهایی که لغزش و فاصله گرفتن از آرمان‌های سوسیالیستی در سازمان پدیدار شد، نگرانی در وجود ما خانواده‌های جان‌باختگان فدایی رخنه کرده، ما از آینده‌ی مبهم بزرگترین بخش جنبش فداییان خلق بی‌مانیم. ما نمی‌توانیم باور کنیم که در زیر پرچم فدائیان و با نام سازمان، برخی از هم‌زمان دیروز فرزندان ما، کاسه‌گدایی بسوی ته‌ماندگان سلطنت دراز کرده‌اند. یا ملت‌ساز به دنبال اتحاد با بخش‌هایی از حاکمیت‌اند که همراه با جناح‌های دیگرش دستان‌شان تا مرفق به خون جان‌باختگان سال‌های ۶۰-۶۷ آلوده‌است. و هنوز که هنوز است، نه از کرده خود پشیمانند و نه قصدی برای هویدا کردن اسرار آن سال‌های وحشت‌بار را دارند.

فرزندان عزیز!

ما نه تنها مخالف تحول و دگرگونی‌های پویا در حیات سازمان و دیگر نحل‌های فدایی نیستیم، بلکه از چنین فرایندی خرسند نیز خواهیم شد. ولی فراموشی و انکار آرمان‌های سوسیالیستی فدائیان خلق؛ "عدالت اجتماعی، صلح و دموکراسی" را که برای سعادت انسان‌ها در گستره‌ی جهانی و استقرار جامعه‌ی سوسیالیستی در میهنمان بنا نهاده شده‌است، را به استناد هیچ توجیهی قبول ننموده و برنمی‌تابیم. برای شما در راه مبارزه برای سوسیالیسم، صلح و دموکراسی آرزوی موفقیت می‌نمائیم.

۱۳۸۶/۹/۱۱

جوانان دهه ۴۰؛ جوانان دهه ۸۰

نیروهای امنیتی با یورش به دانشگاه‌های سراسر کشور دهها تن از دانشجویان چپ‌گرا را در ۱۳ آذر ۸۶ دستگیر نمودند. پس از گذشت سه ماه عده کثیری از آنان که بالغ بر سی نفر می‌شوند، هنوز در زندان هستند. این دانشجویان که اکثراً ممنوع‌الملاقات می‌باشند، براساس گفته دانشجویانی که به قید ضمانت‌های سنگینی موقتاً تا تشکیل دادگاه آزاد شده‌اند، تحت شدیدترین فشارها و شکنجه‌های جسمی و روانی برای اعتراف‌گیری قرار دارند. ما ضمن محکوم نمودن رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی و اعلام حمایت از اقداماتی که برای آزادی این رفقای دانشجویی صورت می‌گیرد، از همه نیروهای آزادی‌خواه و وجدان‌های آگاه جامعه، خصوصاً از تمامی طیف‌های چپ می‌خواهیم نهایت سعی و تلاش خود را برای رهایی این عزیزان در سطح ملی و بین‌المللی بکار گیرند.

از آنجائیکه اولین شماره نشریه ما متقارن با سالگرد حماسه سیه‌هکل بود و بخشی از شماره نخست هم به موضوع ۱۹ بهمن پرداخته‌است. بی‌مناسبت ندیدیم به بیان همسانی و شباهت‌های جنبش فدایی که در دهه‌های ۴۰-۵۰ باحماله سیه‌هکل آغاز شد، با حرکت دوسال اخیر دانشجویان چپ دانشگاه‌های کشور بپردازیم.

پس از کودتای مرداد ۳۲ و شکست حکومت ملی دکتر مصدق رژیم شاه سرمدت از پیروزی‌های خود به پشتوانه حمایت‌های دول امپریالیستی خصوصاً ایالات متحده آمریکا با سرکوب نیروهای سیاسی و جنبش‌های اجتماعی، غلبه روحیه یأس و سرخوردگی در بین مبارزین، جوعدم اعتماد بواسطه نفوذ ساواک در محافل روشنفکری و ... اوضاع سیاسی جامعه ایران در آن سال‌های ۴۰ را به شکلی سرد و سنگین ساخته بود که چشم‌اندازی برای کوچکترین حرکت و تحول دیده نمی‌شد. اما بر عکس در سطح بین‌المللی، شکل‌گیری مجموعه‌ای از کشورهای سوسیالیستی، پیروزی تعدادی از جنبش‌های رهایی‌بخش در مستعمرات امپریالیستی و فروپاشی نظام مستعمراتی، افق روشن و ملموس را پیش روی مبارزین جوان گشوده بود. در چنین شرایطی جنبش چریکی شکل گرفت.

جوانانی که در دهه چهل و پنجاه جنبش چریکی را راه‌اندازی کردند، علیرغم تمامی حرف و حدیث‌ها و قیول‌ها و رد آن‌ها و شیوه، صداقت فدایی برای دوست و دشمن انکارناپذیر بوده‌است. هرچند که صداقت فدایی صفت بارز فداییان بود ولی تنها وجه آن انسان‌های والا نبود. همراه با صداقت جسارت گام برداشتن برای دگرگونی وضع موجود، ایمان به توان خود و نیروی توده‌ها برای تحقق تحول به پیش. آگاهی و تلاش برای ارتقاء آن بی‌آنکه خود را گرفتاری بی‌سرانجام مطالعات جدای از توده‌ها سازند. استقلال فکری و عمل از دیگر مشخصه‌های آنان بود.

با سرکوب نیروهای مخالف و ترقی‌خواه بخصوص چپ و مجاهدین، کشتار بیرحمانه زندانیان سیاسی، خفه کردن جنبش‌های مدنی در دهه ۶۰ روحیه یأس بر جامعه مستولی و سنگینی شکست پیش از دو دهه بر دوش نیروهای دگر اندیش احساس می‌گردید. بارقه‌های امید که با پیروزی اصلاح‌طلبان برای شکستن فضای سرد و یأس آلود جامعه جرقه زده بود، با سرکوب دانشجویان در تیر ماه ۸۷ و اخته گشتن جنبش اصلاحات، مراسم تدفین ایده اصلاح جمهوری اسلامی برگزار گردید. با انتخاب مجلس هفتم و احمدی‌نژاد هارترین جناح حکومت بر سر کار آمد. در گستره جهانی چپ که متحمل شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های فاحشی گردیده بود، خیلی از باورها و برنامه‌هایش زیر سؤال رفته بود، مجدداً خود را باز یافته با جمع‌آوری نیروهای خود از موضع تدافعی به موضعی تهاجمی برگشته‌است. سوسیال‌فوروم جهانی با الهام از اندیشه‌های سوسیالیستی و با همکاری گسترده چپ و کارگران آگاه اساس و ریشه نظام سرمایه‌داری را آماج حملات خود قرار داده‌است. ایدئولوگ‌های نولیبرالیست که از پایان تاریخ سخن می‌گفتند و خمینی‌خرد شدن استخوان‌های کمونیسم را بشارت می‌داد و سوسیالیسم را بعنوان اتوپیایی غیر قابل دسترس معرفی می‌کردند که باید در موزه‌ها دنبال آن گشت. اینک چنان در همه‌جهت جهانی چپ گمشده‌است که کسی را توجهی به چنین ادعاهای دهان‌پرکن نیست.

دانشجویان دهه ۸۰ نیز می‌توان همان صفات را یافت مضاف بر آنکه سطح دانش و آگاهی این نسل قابل قیاس با دانشجویان و جوانان دهه ۵۰-۴۰ نیست. نسل جدید تسلط قابل قبولی بر تئوری‌های کلاسیک و نظرات نوین دارد. اگر نسل قبلی فعالیت تماماً مخفی و غیر علنی داشتند، و اعتراضات خود را عمدتاً بر بستر خواست‌های صنفی سازماندهی می‌کردند. نسل کنونی فعالیت‌های خود را عمدتاً علنی و با خواست‌هایی سیاسی و بعضاً صنفی و البته با شناسنامه و پرچم چپ سازماندهی کرده‌است. اگر شرایط جهانی برای جوانان دهه ۴۰-۵۰ مساعدتر از جوانان دهه ۸۰ بود، هرچند که امکانات ارتباطی و اطلاع‌رسانی و دسترسی به آثار و منابع تئوریک برای جوانان امروزی قابل قیاس با نسل قبلی نمی‌باشد.

اگر امروز تمامی جناح‌های جمهوری اسلامی برای سرکوب و نابودی دانشجویان چپ اصرار می‌ورزند، و در سطحی گسترده بگیر و بند راه می‌انازند. دانشجویان را روانه زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های اوین می‌نمایند. اگر دانشجویان پس از سه ماه ممنوع‌الملاقات هستند، و یا برای آزادی آن‌ها وثیقه‌های کلان مطالبه می‌شود. همه و همه حاکی از هراس رژیم از برآمد جدید چپ در دانشگاه‌های کشور و بطن اجتماعی می‌باشد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

سیاهکل تولدی دیگر برای جنبش کمونیستی ایران

رفقا:

سی هفت سال از زندگی پر تلاش و پر رنج فدائیان خلق گذشت. تاریخ مبارزات جنبش فدائی انبوهی از خدمات بزرگ و انکارناپذیر را بدنبال داشته که مایهٔ فخر و مباهات همهٔ مبارزان فدائی است. در کنار دست آوردهای بزرگ شاهد ناکامی‌ها، شکست‌ها و برخی اشتباهات مهلکی هم بوده ایم. مهم ترین تأثیر جنبش فدائی پس از سال ۴۹ رادیکالیزه کردن حیات سیاسی و عرصه‌های اجتماعی دیگر ی چون ادبیات، هنر و جامعه روشنفکری بود. در تاریخ هر ملتی فصول درخشانی وجود دارد که هر یک به تنهایی مبنای شکل‌گیری دوره‌ای می‌باشد. جنبش فدائی را می‌توان یکی از شاخص ترین فصول تاریخ مردم شورمان بشمار آورد، که مبارزه و کوشش صمیمانه‌ای برای بهروزی اجتماعی و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی بوده است.

در تمام طول این سی و هفت سال جنبش فدائی به شدیدترین وجهی آماج حملات کینه توزانه و جنایت بار دشمنان عدالت اجتماعی و استقلال و آزادی میهن ما قرار داشته است. این فشارهای پایان ناپذیر از سوی گروه‌های رنگارنگ سیاسی و از طرف واردگان و مرتدان دیگر مورد پشتیبانی قرار گرفته و می‌شود. از آنجاییکه جنبش فدائی با مردم زحمتکش، با خلق‌های محروم و در درجهٔ اول با طبقهٔ کارگر ایران پیوند ناگسستنی داشته است؛ علی‌رغم بازداشت‌ها، شکنجه‌ها و اعدام‌ها ی- رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی- این جنبش پا بر جا مانده و با گام‌هایی استوار راه دشوار خود را دنبال می‌نماید. فدائیان خلق از بدو تولد خویش در جنگل‌های سرد سیاهکل با دادن تلفاتی سنگین تا به امروز پرچم مبارزه برای رهایی طبقهٔ کارگر و زحمتکشان را بر زمین نگذاشته‌اند. هرچند که عقب نشینی‌ها و لغزش‌هایی را تجربه کرده‌اند، ولی همواره عنصر صداقت، جسارت و خواستن را در وجود خود بارور ساخته تا در سخت ترین شرایط مشعل امید و راه‌گشای مان بسوی آینده باشد. جنبش فدائی اینک به دور تازه‌ای از حیات خود گام نهاده، و مطمئناً با مبارزه در راه اعتلای جنبش کارگری و توده‌ای نقش خود را چون گذشته در جنبش کمونیستی شورمان به طور فعال ایفا خواهد نمود.

رفقا!

علت پیدایی جنبش فدائی تلاشی در راستای آگاهی و تشکیل طبقه کارگر، برقراری پیوندهای محکم بین این پیشاهنگ با سایر قشرهای جامعه و با جنبش جهانی کارگری و ترویج سوسیالیسم علمی بوده است. زندگی سی و هفت سالهٔ جنبش فدائی به ما آموخته است: "هر نسلی اگر نتواند به مسائل عصر خود پاسخ در خور بدهد، خواهد توانست گامی به آرمانهای رهایی بخش انسان نزدیکتر شود".

سخنی با رفقای فدائی

جنبش فدایی خواهان عدالت اجتماعی و رهایی تمام زحمتکشان از یوغ ستم و استبداد و تحقق آزادی و استقلال کشور مان از دست امپریالیست‌ها و ارتجاع مذهبی حاکم بده و هست. برای تحقق این مهم ما به در یوزگی هیچ قدرتی نخواهیم رفت و با تکیه به نیروهای خلاق و آگاه جامعه، در همه حال از خواسته‌های بر حق مردم مان با عزمی راسخ دفاع کرده و اثبات خواهیم نمود که طرفداران سوسیالیسم علمی همچنان با برجا و استوار در راه آرمان‌های انسانی خویش به پیش می‌تازند. امروزه نیروهای راستین صلح و دموکراسی و سوسیالیست خواه به مراتب از دو دهه قبل مهیا تر و آماده ترند و از نظر تجربه کارآزموده تر و از لحاظ تئوریک و سواد سیاسی و ... به مراتب پخته ترند.

اگر فدائیان جان باخته سیاهکل امروز با ما بودند به یقین که از تشنه و تفرقه‌چپ بخصوص جنبش فدائی آزرده و ناخرسند بودند. توان و کارآمدی ما در گرو اتحاد عمل و یکپارچگی ماست، همدلی و همکاری چپ و جریانات فدائی نیاز مبرم و تأخیرناپذیر چپ شورمان است. تجربه سه دهه گذشته و سرکوب‌ها و کشتارهای جمهوری اسلامی در دهه شصت و ادامه سرکوب‌ها با قتل‌های زنجیره‌ای و قتل‌های اخیر در زندانها چه درسهای عبرت‌انگیزی که به ما نمی‌دهد. چگونه این ناقوس‌های شوم و بانگ جفدها بر وجدانهای ما مهمیز نمی‌زند و خویشتن را برای مقابله با این روند سرکوب وحشیانه مهیا نمی‌سازیم.

در این راستا بعنوان گام نخستین برگزاری مشترک بزرگداشت ۱۹ بهمن توسط سازمان‌های مختلف فدائی را برای سالهای آینده بخصوص برگزاری هر چه با شکوه تر چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل را پیشنهاد می‌نمائیم.

زنده باد سوسیالیسم ، صلح ، استقلال ، آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

اعلامیه در باره ی واقعه ی سیاهکل

" اولین اعلامیه سازمان بمناسبت حماسه سیاهکل "

دانشجویان و روشنفکران مبارز!

تقریباً یک ماه از تیرباران شدن سیزده نفر از پارتیزان‌های رزمنده ی سیاهکل، لاهیجان و تهران می‌گذرد. حکومت شاه امروز درمی‌یابد که مرگ آن‌ها نیز به اندازه ی زندگی شان برای او خطرناک است. درمی‌یابد که مبارزه ی مسلحانه، نه تنها خاموش نشده، بلکه اکنون رزمندگان با عزمی راسخ تر و تجربه ای بیشتر پا به میدان گذاشته‌اند تا راه ما را روشن تر کنند و اراده ی ما را در نابود کردن سلطه ی امپریالیستی آمریکا و انگلیس که توسط حکومت شاه نمایندگی می‌شود، استوارتر سازند. جنبش چریکی سیاهکل در تسریع مبارزه ی انقلابی، اکنون چنان نقشی را ایفاء می‌کند که یک دهه مبارزه ی غیرمسلحانه نمی‌توانست ایفاء کند.

اکنون ده‌ها دست‌دراز شده تا سلاح این رزمندگان را بگیرد و به جنگ ادامه دهد. شکست تاکتیکی سیاهکل در رابطه با کل جنبش انقلابی خلق ما یک شکست استراتژیک برای حکومت شاه و یا نقطه ی عطف تاریخی در مبارزه ی خلق ما خواهد بود.

همان‌طور که شکست تاکتیکی "چه‌گوارا"ی کبیر، اوج‌گیری مبارزه ی مسلحانه را در سراسر قاره ی آمریکای لاتین در پی داشت، همان‌طور که شکست فیدل در "مونکادا" انقلاب کوبا را به دنبال آورد، سیاهکل "مونکادا"ی ایران است، با این تفاوت که مبارزه ی مسلحانه در این جا بدون وقفه، با نیرو و تجربه ی بیشتر ادامه می‌یابد.

بگذارید شاه از خشم فریاد بکشد و اپورتونیست‌های ورشکسته با استفاده از این شکست گذرا و تاکتیکی رجاله وار بر طبل‌های تسلیم‌طلبی خود بکوبند. این‌ها در عزم انقلابی چریک‌های فدائی خلق که به اصطلاح مبارزه ی مسالمت‌آمیز را در شرایط دیکتاتوری سفاکانه ی شاه چیزی جز کمک به ادامه ی اسارت خلق نمی‌دانند، هیچ‌گونه تأثیری ندارد.

چریک‌های فدائی خلق با حمله به پاسگاه کلانتری قلیک و تصرف مسلسل نگهبان پاسگاه و آتش‌زدن سردر و اتومبیل‌های کلانتری (شنبه ۱۵ فروردین) و اعدام انقلابی فرسویی خون‌آشام (چهارشنبه ۱۸ فروردین) نشان دادند که مبارزه ی قهرآمیز تنها راه است و مبارزه ی مسلحانه ادامه خواهد داشت.

عزیز و جاودان باد خاطره ی انقلابی رزمندگان سیاهکل!

نابود باد سلطه ی آمریکا و انگلیس و سگ‌های ایرانی اش!

ظفرنمون باد همبستگی روشنفکران انقلابی و خلق!

موفق باد جنبش‌های انقلابی همه ی خلق‌های رزمنده!

بهار ۱۳۵۰



تابلوی سیاهکل اثر رفیق بنیان

پیام سازمانهای فدائی به مناسبت ۱۹ بهمن

در این ستون گزیده هایی از پیام سازمانهای فدائی به مناسبت ۱۹ بهمن و بزرگداشت حماسه سپاهک را گرد آورده ایم. متأسفانه پیام سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را در سایت این سازمان نیافتیم، از این بابت پوزش می طلبیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

باورمند به آزادی و دموکراسی، پایدار در مبارزه برای عدالت اجتماعی

و سوسیالیسم فدائیان خلق

به شما درود می فرستیم و به نمایندگی از سوی اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) فرا رسیدن سی و هفتمین سالگرد بنیان گذاری جنبش فدائی را به یکایک شما شادباش می گوئیم. در سال گشت ۱۹ بهمن یاد رنج و رزم صدها و هزاران فدایی خلق در دوران طولانی حیات جنبشمان را ارج می نهیم و به همه رفقای که در سالیان دراز با مایه گذاشتن از جان و جوانی خود در این راه پرسنگلاخ طی طریق کرده اند، احترام می گذاریم و در برابر آنان سر تعظیم فرو می آوریم. ۱۹ بهمن پیش و بیش از هر چیز یک نماد است، نماد وحدت گروه های مختلف و رادیکال چپ و زایش جنبشی پیونده در راه سوسیالیسم در بطن خفقان رژیم سلطنتی. هم از این روست که گر چه وحدت گروه های بنیانگذار و تشکیل "چریک های فدایی خلق" در بهار سال ۱۳۵۰ جامه عمل پوشید، ۱۹ بهمن به عنوان روز بنیانگذاری جنبش فدایی، به تاریخ معاصر کشور ما راه یافته است و به این عنوان همواره و هر ساله از سوی فداییان خلق در هر جا و تحت هر شرایطی بزرگ داشته می شود. ما فداییان خلق در درازای این همه سال ها از انحراف و اشتباهاتی میرا نبوده ایم، اما ادعای ما این است که نیروهای جنبش فدایی از گذر این سال ها و دهه ها و از خطاهای خود بسیار آموخته اند و آن ها را در عمل بکار بسته اند.

اما دگرگونی ها، خطاها و درسآموزی ها در یک چیز خللی وارد نیاورده است، در باور ما به سرنجامی عادلانه برای جامعه بشری و در تلاش بیدریغ ما برای برپایی جامعه ای که حرف اول و آخر را در آن دموکراسی و عدالت اجتماعی می زند.

یاران گرامی!

در طی دو دهه اخیر نظام سرمایه داری پس از فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای هم پیمان آن، بر جهان مسلط شده است. پیامد سلطه جهانی سرمایه داری افزایش شکاف میان کشورهای فقیر و غنی، میان اقشار مختلف اجتماعی حتی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته است. روند پس گرفتن امتیازات اجتماعی که طبقات و اقشار زحمتکش در طی دهه ها مبارزه اجتماعی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته به دست آورده بودند، کماکان ادامه دارد.

پیامدهای تسلط سرمایه داری زمینه را برای رشد جنبش های اجتماعی عدالت خواهانه و نیرو گرفتن چپ فراهم آورده است. به حکومت رسیدن نیروهای چپ در بیشتر کشورهای آمریکای جنوبی و نیز چرخش به چپ در تعدادی از کشورهای اروپایی نشانه باز این امر است.

در کشور ما نیز بجهت گسترش فقر، بیکاری، تعمیق شکاف طبقاتی و رشد ناهنجاری های اجتماعی، گرایش به اندیشه های چپ در حال رشد است. هم اکنون گرایش چپ در دانشگاه های کشور به یک نیروی جدی تبدیل شده و با سیمای چپ و با شعار آزادی و برابری برآمد کرده است. چپ نیروی پویا و ماندگار در جامعه ما است و با سرکوب ارگان های امنیتی از صحنه سیاسی کشور حذف نخواهد شد. جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ صدها تن از نیروهای چپ را به جوخه های اعدام سپرد و هزاران تن از آنان را وادار به مهاجرت کرد، اما قادر نشد ریشه چپ را از جامعه ما بکند. امروز ما شاهد سربر آوردن نسل جدیدی از چپ هستیم، دستگیری گسترده دانشجویان چپ توسط ارگان های امنیتی جمهوری اسلامی هم به ریشه کن شدن چپ در جامعه ما منجر نخواهد گشت.

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حماسه آفرینان سپاهک، ستاره های سرخ میهن

حماسه سپاهک در زمانی رخ داد که حکومت بر خاسته از کودتای بیگانه توانسته بود جنبش کمونیستی و ملی ایران را با بیرحمی تمام سرکوب نماید و بیش از گذشته در جهت پاسداری از منافع قدرتهای امپریالیستی آمریکا و انگلیس بعنوان ژاندارم منطقه ای نقش آفرینی نماید. حماسه سپاهک آغازی بود برای شمارش معکوس و پایان رژیم ستم شاهی، حماسه سپاهک آغازی بود برای زدودن ترس و نومیذی مبارزین، آغازی بود بر پایان راه اپورتونیستها، رفرمیستها و ملی گرایان منحرف.

قتل و حذف رهبران با تجربه فدائیان خلق توسط رژیم پهلوی باعث گشت تا رهبران جوان نتوانند بعد از قیام بطور اصولی نیروی های داوطلب گسیل شده به میدان مبارزه را تدارک و سازماندهی نمایند. بی تجربگی رهبران در سازماندهی حزبی و کار توده ای، پیچیدگی و شتاب رویدادهای سیاسی و دخالتهای بیگانه در امور ایران باعث گردید تا این جنبش درگیر مسائل انحرافی گشته و بمروم از روند مبارزات اساسی جاری کشور به حاشیه رانده شود.

انتصابیون جنبش فدایی از اکثریت گرفته تا اقلیت هر کدام گام در بیراهه ای گذاشتند که پایانی جز

حذف شدن از صحنه سیاسی درون جامعه ایران را بهمراه نخواهد داشت. هم اکنون گروه ها و دسته های رنگارنگ متعددی خود را وارثان واقعی حماسه سپاهک و نام فدایی می دانند و هر کدام به نوعی در پس این نام سنگر گرفته اند و از اعتبار و جانفشانی های رهبران در مقابل رژیم پهلوی برای خود کسب اعتبار می کنند، در حالی که با تمام تلاشها و هزینه هایی که پرداخت کرده اند، نتوانستند طی سی سال عمر نتگین رژیم اسلامی مبارزه ایی در خور نام فدائیان خلق از خود بر جای گذارند.

آری حماسه سپاهک به ما می آموزد: تنها با اتکا به قدرت توده های آگاه و شرکت عملی در مبارزات طبقاتی می توان اعتماد مردم را جلب و همراه آنان در جهت دستیابی به برابری، دموکراسی، آزادی و استقرار سوسیالیسم در ایران ایفای نقش نمود.

یادشان جاودان و راهشان پر رهرو باد

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

گرامی باد سی و هفتمین سالگرد حماسه سپاهک

و بیست و نهمین سالگرد قیام ۲۲ بهمن

۱۹ و ۲۲ بهمن در تاریخ مبارزه برای آزادی، و برابر و سوسیالیسم در ایران جایگاه رفیع و شایسته ای را بخود اختصاص داده اند. در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ درست در شرایطی که جغد شوم استبداد و دیکتاتوری بعد از کودتای ۲۸ مرداد بر فراز جامعه جولان میداد و "شاه شاهان" ادعای قدر قدرتی خود را با سرکوب هرگونه صدای آزادیخواهی برخ میکشید و ثبات و امنیت ناشی از زور سرنیزه را در شیپورها میدمید و با تیختر کودکانه ای جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را تدارک میدید. گروهی از جوانان کمونیست با ارزیابی از شرایط جامعه اسلحه بدست گرفتند، تا نشان دهند که ادعای قدر قدرتی دیکتاتور ها هرچند که بزرگترین قدرتهای امپریالیستی پشتیبان شان باشند و برغم برخورداری از نیروی نظامی و انتظامی تا دندان مسلح و دستگاه مخوف امنیتی زیر فرمان، اما در برابر بیداری توده های کارگر و زحمتکش و در برابر عمل انقلابی پیشروان آنها بیر کاغذی بیش نیستند. و چنین بود که با حماسه سپاهک و آغاز مبارزه مسلحانه امید به شکستن قدر قدرتی کاذب طبقه حاکم در دل توده های مردم شعله ور شد.

هرچند که قیام ۲۲ بهمن رژیم شاهنشاهی را سرنگون کرد اما به دلایلی از جمله فقدان حزب انقلابی طبقه کارگرو سطح پائین آگاهی و تشکل در میان توده های مردم به اهداف خود نرسید.

اکنون که ۳۷ سال از حماسه سپاهک و ۲۹ سال از قیام شکوهمند ۲۲ بهمن سپری میشود ضمن گرامیداشت یاد و خاطره جانفشانان و شهدای این دو واقعه تاریخی بزرگ، میباید از نقاط ضعف وقوت آنها ارزیابی درست و علمی به عمل آورد و از تجربیات آنها در پیش برد مبارزه امروز درس گرفت. گرامیباد خاطره تابناک حماسه آفرینان سپاهک در ۱۹ بهمن سال ۴۹

سازمان فدائیان (اقلیت)

برای نبردی بزرگ آماده شویم

کارگران و زحمتکشان، زنان ستمدیده! جوانان! روشنفکران مترقی!

در تاریخ مبارزات توده های زحمتکش و ستمدیده هر ملتی، رویدادهایی است که هرگز فراموش نمی شوند. از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردند، جاودانه می ماندند و همواره به نیکی از آنها یاد می شود. در تاریخ مبارزات توده های زحمتکش و ستمدیده مردم ایران نیز نونه های فراوانی را می توان از این رویدادها سراغ گرفت. نبرد حماسی سپاهک در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، یک نمونه از این رویدادهای ماندگار است. همین که از تاریخ سیاسی جامعه ایران سخن به میان میآید، نام سپاهک، دیگر روستایی در گذشته و شهرستانی در گیلان امروز نیست، بلکه سمبلی از مبارزه قهرمانانه کمونیست های ایران علیه ستمگران و آشتی ناپذیری آنها با نظم ضد انسانی سرمایه داریست.

ماندگاری این رویدادها و تبدیل شدن پیشگامان آنها به قهرمانان حماسی توده های زحمتکش از آن روست که طغیان ستمدیدگان علیه ستمگران را به نمایش می گذارند، بی قراری انسان ستمدیده را برای گسست زنجیرهای اسارت به وضوح نشان مکی دهند و منشاء اثری فراتر از خود رویدادمیگردند.

آفرینندگان حماسه سپاهک، خود در یک نبرد نابرابر از پای درآمدند، اما این حرکت، منشاء چنان تأثیری در جامعه ایران بود که مستثنا از ارزیابی های نظری و سیاسی که اکنون دیگر موضوعیت خود را از دست داده اند، در قلب توده های زحمتکش جای گرفت و به رویدادی ماندگار تبدیل گردید. از این رو، ۱۹ بهمن، دیگر صرفاً سالروز نبرد قهرمانانه، بنیانگذاران سازمان نیست، بلکه سالروز نبردی حماسی در تاریخ سراسر مبارزه توده های کارگر و زحمتکش مردم ایران است.

سپاهک دیگر تکرار نشد و نخواهد شد. اما آنچه که سازمان ما از فدای سپاهک، در هر شکل از مبارزه خود، به پای آن مانده است، ادامه اهداف و آرمان های آزادیخواهانه و سوسیالیستی فدائیان در نبرد سپاهک است که پرچم آن را با جانفشانی به اهتزاز در آوردند. همین اهداف و آرمان های بزرگ است که امروز، پس از گذشت ۳۷ سال از حماسه سپاهک، سازمان ما همچنان با مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم، دفاع پیگیر از منافع و اهداف طبقه کارگر و از موضع این طبقه، دفاع از مطالبات عموم مردم

جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستد و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواسته‌های ترقیخواهانه مردم ایران جان باختند را گرامی می دارد. ما مردم ایران را به مبارزه علیه استبداد، جهل و تبعیض فرا می خوانیم. ما همه ایرانیان ترقیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تمامی دسته‌بندیها و باندهای درونی آن و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.

چریکهای فدایی خلق

گرامی باد سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن!

بار دیگر در آستانه سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن قرار داریم. دو رویداد تاریخی ای که نقش بزرگی در جنبش انقلابی مردم ما ایفا کردند. در ۱۹ بهمن سال ۴۹ چریکهای فدایی خلق با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل (در جنگل های لاهیجان) به مثابه نمادی از ماشین درنده خوی سرکوب رژیم سلطنت، حرکتی را بنیان گذاشتند که به تدریج در روند خود توانست انرژی انقلابی توده ها را آزاد و آنها را به صحنه نبرد با دشمن کشاند. عمل آگاهانه سیاهکل در حقیقت "نقیی" بود به "قدرت تاریخی توده ها" جهت کشاندن آنها به میدان مبارزه تعیین کننده و دیدیم که توده ها چه زود به ندای پیشاهنگان خود پاسخ داده و با گسترش اعتراضات و مبارزات خود سر انجام با قیام بهمن بساط سلطنت پهلوی را برای همیشه در هم شکستند. در روزهای قیام (۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷) همگان شاهد بودند که چگونه توده های قیام کننده با الهام از رزمندگان سیاهکل با سردادن شعارهایی نظیر "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم!" به خیابانها ریخته و رژیم ضد مردمی شاه را به زباله دان تاریخ انداختند.

متأسفانه قیام بهمن بدلیل عدم تشکل انقلابی طبقه کارگر و فقدان یک رهبری کمونیستی در راس آن، قادر به نابودی سلطه امپریالیسم و واژگونی نظام سرمایه داری وابسته حاکم نشد و نظام ظالمانه مزبور این بار تحت هدایت جمهوری اسلامی به حیات انگلی خود تداوم بخشید و به همین دلیل هم مردم ما از دستیابی به آزادی و دمکراسی محروم شدند. امری که آثار و عواقبش را همگان در ۲۹ سال گذشته با پوست و گوشت خود لمس کرده اند.

در شرایطی که درست به خاطر سلطه دیکتاتوری عنان گسیخته موجود، اعتراضات مردم ما نمی توانند از محدوده های کوچک و محلی فراتر رفته و به یک جنبش وسیع مبارزاتی تحت یک رهبری انقلابی تبدیل شوند، در چنین شرایطی باید با هر گونه تفکر رفرمیستی که چنین واقعیتی را نادیده می گیرد به مقابله برخاست. نیروهای مبارز و دلسوز توده ها موظفند که ضرورت تاکید بر تشکیلات مخفی و کار مخفی را به مثابه اصل اساسی هر گونه فعالیت انقلابی با برجستگی هر چه بیشتری به میان جوانان برده و از آنان بخواهند که فریب "علنی" کاریها و "قانونی" گرابی ها و بازیهای انتخاباتی بی مایه را نخورده و با اساس قرار دادن فعالیت مخفی بکوشند از امکانات دیگر جهت رشد و اعتلای کار اصلی سود جویند.

گرامی باد خاطره سترگ رزمندگان سیاهکل!

زحمتکش و ستمدیده، خود را متعهد به آنها می داند.

سازمان فدائیان(اقلیت)در سی و هفتمین سالگرد ۱۹ بهمن، با اعتقادی راسخ به اهداف و آرمان های آزادیخواهانه و سوسیالیستی بنیانگذاران سازمان، به تلاش و مبارزه پیگیر خود، برای سرنگونی جمهوری اسلامی، استقرار یک حکومت شورائی و گذار به سوسیالیسم ادامه خود داد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت سی و هفتمین سالگرد حماسه و قیام سیاهکل

در شامگاه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ یک گروه ۹ نفره از انقلابیان کمونیست به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل(در استان گیلان) حمله کرده و با خلع سلاح آن، تولد جنبش نوین کمونیستی و جنبش پیشتاز فدایی را اعلام کردند.

رژیم شاه در واکنش به عملیات سیاهکل، به سرکوب گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قنجدی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدارگاههای نظامی به اعدام محکوم و در روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه های اعدام سپرده شدند.

طی سالهای ۱۳۴۹ تا قیام بهمن سال ۱۳۵۷، بسیاری از رفقای دلیر فدایی و منجمله تمامی رهبران و پیشتازانش در مبارزه برای آزادی جان باختند. ما در سی و هفتمین سالگرد حماسه و قیام سیاهکل یاد و خاطره همه ی آن زنان و مردان دلیر را گرامی می داریم.

مشعلی که چریکهای فدایی در سیاهکل برافروختند، علیرغم گذشت ۳۷ سال و با وجود فراز و نشیبهای بسیار، هنوز شعله ور است.

کسانی که برای توجیه بی عملی خود سالها به ردیه نویسی برای نفی جنبش انقلابی مشغول هستند باید به این سوال پاسخ دهند که دلیل استقبال توده ای از جنبش فدایی در آستانه انقلاب بهمن چه بود و چرا از همان ابتدا نیروهای ارتجاعی با شدت با این جنبش به مخالفت پرداختند.

سازمان ما به علت فقدان یک خط مشی درست و در فقدان رهبران هوشیار، صادق و انقلابی و به علت مناسبات ضد دمکراتیک درون تشکیلات که منجر به انشعابهای گوناگون شد، نتوانست نقش یک سازمان پیشرو،

جدی و مداخله گر را اجرا کند. این ضعفهای اساسی نه به علت خط مشی سازمان در سالهای پیش از انقلاب بهمن که به علت عدم توانایی در تطابق با شرایط در حال تحول بود. درس آموزی از تجربه گذشته جنبش پیشتاز فدایی و درک شرایط جدید در ایران و در سطح جهان تنها راهی است که می تواند جنبش کمونیستی ایران را در جایگاه واقعی خود قرار دهد. ما با این امید تلاش می کنیم و همه ی مدافعان راه صلح، آزادی و سوسیالیسم را به تلاش برای غلبه بر بحران درون جنبش کمونیستی ایران فرا می خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه سالگرد قیام بهمن ۱۳۵۷ و در آغاز سی و هشتمین سال حیات خود به تمامی زنان و مردان میهنمان که برای آزادی، دمکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و

شهادی
سیاهکل

هوشنگ نیری



اسکندر رحیمی مسچی



ناصر سیف دلیل صفایی



شعاع الدین مشیدی



هادی بنده خدا لنگرودی



احمد فرهودی



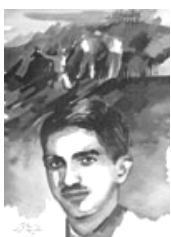
علی اکبر صفایی فراهانی



غفور حسن پور اصیل



مهدی اسحاقی



محمد هادی فاضلی



محمد رحیم سمایی



عباس نژاد بهزادی



جلیل انفرادی



اسماعیل معینی عراقی



محمدعلی محدث قنجدی

سی هفتمین سالگرد حماسه قهرمانانه سیاهکل گرامی باد